

فقر و کودک‌آزاری در ایران

سعید مدنی قهفرخی*، مجتبی بیات**

طرح مسئله: این مقاله با رویکرد فقر قابلیت (Capability Poverty Approach) به بررسی تأثیر برخی از موانع در برابر رشد قابلیت‌های انسانی مانند درآمد خانوار، نوع منزل مسکونی، منطقه محل سکونت و کار کودکان بر وقوع پدیده کودک‌آزاری پرداخته است.

روش: مقاله برگرفته از نتایج پژوهش مروری درباره کودک‌آزاری است و در آن یافته‌های مطالعات پیشین در این زمینه به صورت نظام‌مند و در چارچوب نظریه ساختار اجتماعی ارائه و بررسی شده‌اند.

یافته‌ها: وقوع پدیده کودک‌آزاری متأثر از عوامل تعیین‌کننده فقر قابلیت مانند درآمد خانوار، نوع منزل مسکونی، منطقه محل سکونت و کار کودکان است. تقریباً همه مطالعات با بررسی انواع آزار و غفلت در کودکان تأیید کرده‌اند که کودک‌آزاری در خانواده‌های فقیر و با وضعیت اقتصادی ضعیف شایع‌تر از سایر طبقات است.

بحث و نتیجه‌گیری: در خانواده‌های فقیر امکان تأمین حداقل نیازهای اساسی کودکان برای والدین ناممکن یا بسیار دشوار است، به علاوه به دلیل اولویت تأمین حداقل درآمد ممکن برای ادامه حیات خانواده، غفلت (Neglect) از کودکان در این خانواده‌ها به طرز محسوسی بیشتر از خانواده‌های با درآمد متوسط یا بالا است. در جمع‌بندی نهایی هر چند فقر تنها متغیر توضیح‌دهنده آزار کودکان نیست اما از زوایای مختلف یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز کودک‌آزاری است.

کلید واژه‌ها: ایران، فقر، کودک‌آزای

تاریخ پذیرش: ۱۹/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۹/۱/۲۵

* دکتری جرم‌شناسی، عضو گروه پژوهشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

<saeid_madani@yahoo.com>

** کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مقدمه

نیروی انسانی توانمند و کارآمد یکی از ابزارهای اساسی توسعه است. هرچند پرداختن به این موضوع مسئله جدیدی نیست، توجه به زمینه‌های شکل‌گیری نیروی انسانی توسعه‌گرا یکی از مسائل مهم و البته مغفول در ادبیات توسعه است (عظیمی، ۱۳۷۱). سلامت در بزرگسالی به شدت تحت تاثیر دوران کودکی است. امروزه رشد تکاملی کودکان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده اجتماعی سلامت شناخته شده است (سجادی و دیگران، ۱۳۸۸). اگر در دوران کودکی کیفیت زندگی و نیازهای اساسی شامل غذا، سرپناه و مسکن، پوشاک، بهداشت، آموزش و پرورش تامین نشود، توقع یک زندگی با کیفیت در دوران بزرگسالی واقع‌بینانه نیست.

در واقع زندگی با کیفیت در دوران کودکی ضامن ظهور انسان خلاق و توانمند در دوران پس از آن است. آزار کودکان می‌تواند تا مدت‌ها سلامت آنان را به خطر اندازد. در برخی موارد پیامدهای حاصل از آزار در دوره کودکی کل سرنوشت آزاردیدگان را تحت تاثیر قرار داده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۶).

مطالعات بسیار نشان داده‌اند که وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با کودک آزاری محسوب شود. به عبارت دیگر وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها، از جمله فقر، می‌تواند به‌عنوان متغیر مستقل در مطالعات مربوط به کودک‌آزاری مورد توجه قرار گیرد. اما از سوی دیگر کودکان آزاردیده به دلیل صدمات جسمی، روانی و اجتماعی حاصل از آزاردیدگی ممکن است هرگز نتوانند در بزرگسالی نقش‌های خود را به خوبی ایفا کنند و در نتیجه در فضای کسب و کار انسان‌های موفق نشوند و در نهایت این امر به فقر آنان بینجامد. کودک‌آزاری در کوتاه‌مدت علاوه بر این‌که بر رشد مغز تأثیر می‌گذارد باعث اختلال در دستگاه عصبی و ایمنی می‌شود. این امر در نهایت منجر به اختلالات اجتماعی، احساسی، شناختی و رفتاری در کودک آزاردیده می‌شود. در بلندمدت نیز عوارض کودک‌آزاری در تمایل فرد به انجام رفتارهای پرخطر مانند سوء مصرف مواد مخدر و فعالیت جنسی زودهنگام که برای

سلامت جسمی و روانی فرد مخرب است، ظاهر می‌شود. نتیجه این مشکلات شامل نگرانی و اختلال افسردگی، اختلال در انجام کارها، اختلال در حافظه و رفتارهای تهاجمی است (یونیسف، ۱۳۸۷). به عنوان مثال مطالعاتی که درباره زنان تن‌فروش، سارقان نوجوان و جوان و معتادان انجام شده است، نشان می‌دهد که نسبت بالایی از آنها قربانی یکی از اشکال کودک‌آزاری، یعنی سوءاستفاده جنسی در دوران کودکی، هستند (گیدنز، ۱۳۸۶). در واقع بر اساس مطالعات انجام‌شده در امریکا احتمال این‌که کودکانی که از آنها سوءاستفاده جنسی شده است در بزرگسالی به جرم روسپیگری دستگیر شوند ۲۷،۷ بار بیشتر از کودکانی است که قربانی این مسئله نشده‌اند. (Widom, 1995) همچنین مردان و زنانی که در کودکی یا نوجوانی به آنها تجاوز شده است و یا مجبور به انجام فعالیت جنسی شده‌اند، احتمال این‌که در حرفه روسپیگری کار کنند، ۴ بار بیشتر از کسانی است که قربانی این مسئله نشده‌اند. (Population Report, 2000) ۵۷ درصد از روسپیان گزارش دادند که در کودکی به آنها تجاوز شده است و ۴۹ درصد گزارش دادند که در کودکی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. (Farley, 1988)

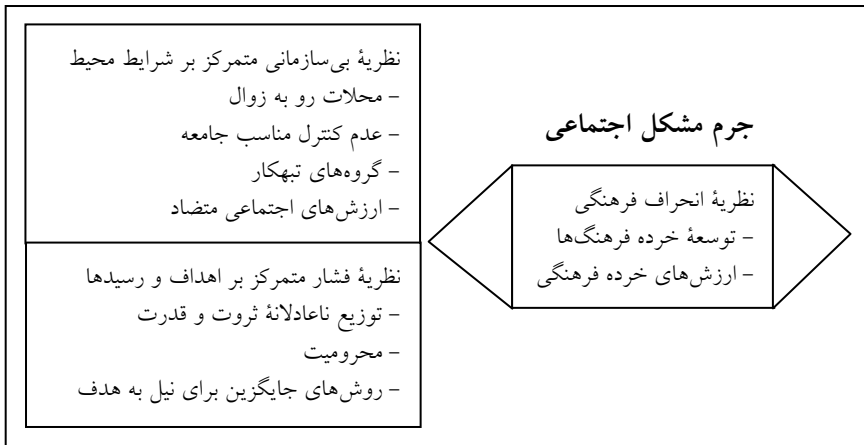
۱) چارچوب نظری

علاوه بر این‌که کودک‌آزاری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی یک مشکل اجتماعی (Social Problem) است، نوعی جرم نیز محسوب می‌شود. زیرا به موجب ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است» (زینالی، ۱۳۸۲). بر این اساس تبیین علل و عوامل وقوع کودک‌آزاری در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی و با در نظر گرفتن پیوند این دو حوزه امکان‌پذیر می‌شود.

در بررسی رابطه بین فقر و مشکلات اجتماعی و جرم که در آثار موری (Murray, 1990)، سامپسون و ویلسون (Sampson, 1993)، فریزر (Fraser, 1995) و مونی

(Mooney, 1998) بیشتر به آن پرداخته شده است، به بی‌سازمانی اجتماعی در محلات فقیرنشین بسیار توجه شده است. آن‌ها از پایداری نوعی «فرهنگ خشونت» در میان طبقات فرودست شهری سخن گفته‌اند. در هر حال نظریه ساختار اجتماعی تا حدود زیادی موفق شده پیوند بین شرایط اجتماعی با مشکل اجتماعی و جرم را تبیین کند. سیگل (۱۳۸۵) پیوند بین سه شاخه نظریه ساختار اجتماعی یعنی بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه فشار و نظریه انحراف فرهنگی را در نمودار شماره ۱ نشان داده است.

نمودار ۱: مدل نظریه ساختار اجتماعی در زمینه مشکل اجتماعی و جرم



در پژوهش حاضر چهار مؤلفه مهم فقر و درآمد پائین، محل سکونت، وضعیت منزل مسکونی و وضعیت اشتغال کودکان و رابطه آن‌ها با کودک‌آزاری در چارچوب نظریه ساختار اجتماعی بررسی شده است.

در بسیاری پژوهش‌ها از جمله مطالعه پاولاین و همکاران بین آزار و وضعیت زندگی خانوادگی، شامل ترس و فقر، رابطه معناداری گزارش شده است (paavilainen, et al, 2000). برگر (Berger, 2005) در پژوهش خود به بررسی رابطه درآمد خانوار و آزار کودکان پرداخت

و نشان داد که پایین بودن درآمد خانوار به طور معناداری به بروز بیشتر آزار کودکان منجر می‌شود (خوشابی و دیگران، ۱۳۸۶). مطالعه ویلیام جی و همکاران نیز نشان داد که فقر و بیکاری والدین از عوامل موثر بر کودک آزاری هستند (William, I. et al, 2006).

البته تمامی مطالعاتی که به بررسی رابطه فقر با جرم و مشکلات اجتماعی پرداخته‌اند، این رابطه را تأیید نکرده‌اند (messner, 1982). مک کی و همکارانش (۱۹۶۹) تأکید کرده‌اند که فقر به تنهایی نمی‌تواند عامل جرم محسوب شود، زیرا شیوع جرم در گروه‌های مختلف فقیر متفاوت است. فیلیس (۱۹۹۱) نیز می‌گوید فشار فقر منجر به بی‌مسئولیتی و در نتیجه انحراف اجتماعی می‌شود (صادقی، ۱۳۸۳).

مطالعات تجربی در آمریکا نشان می‌دهد که فقر با برخی جرایم و مشکلات اجتماعی رابطه مثبت دارد (Jacobs, 1981). آرونسون (۱۹۸۸) در مطالعات خود به این نتیجه رسید جوامعی که سطح نابرابری در آن‌ها بالاست، نرخ جرم نیز بیشتر خواهد بود. این نتیجه به معنای آن است که علاوه بر فقر، نابرابری نیز در بروز مشکلات اجتماعی و جرم نقش موثری دارد. (صادقی، ۱۳۸۳).

مطالعه هارت ناگل ولی (۱۹۹۵) در کانادا نیز حاوی نتایج جالب توجهی است که بر مبنای آن بین نابرابری اقتصادی و جرایم علیه اشخاص رابطه مثبتی وجود دارد اما با جرایم علیه اموال رابطه معناداری ندارد. این مطالعه خاطر نشان می‌سازد که کودک‌آزاری از مصادیق جرایم علیه اشخاص محسوب می‌شود.

۲) روش

۲-۱) نوع مطالعه

در این پژوهش به تحلیل یافته‌های مطالعات پیشین درباره رابطه وضعیت مالی خانواده، وضعیت مسکن، منطقه محل سکونت و وضعیت اشتغال والدین با آزار کودکان تحلیل و با بررسی نظام‌مند مطالعات پیشین رابطه مذکور بررسی شده است.

۲-۲) تعاریف

۱-۲-۲) فقر

به طور معمول فقر با اتکاء به دو رهیافت شناخته می‌شود؛ یکی از این رهیافت‌ها بر «فقر مطلق» به معنای نداشتن درآمد کافی برای تامین حداقل نیازهای اساسی شامل غذا، مسکن و پوشاک، بهداشت و آموزش اذعان دارد و دیگری به پدیده «فقر نسبی» که در آن فقر با توجه به استاندارد زندگی در جوامع مختلف شناخته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶). در این میان رویکرد سومی با عنوان «فقر قابلیت» مورد توجه اقتصاددانان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. رویکرد فقر قابلیت به چیزی بیشتر از تامین درآمد و حداقل‌های زندگی توجه می‌کند و با نگاهی جامع، امکان شناسایی تمام عواملی را که ممکن است مانعی برای یک زندگی با کیفیت و در خور باشند، فراهم می‌سازد. (سن، ۱۳۸۱).

در این مقاله فقدان قابلیت‌هایی که به انسان کمک می‌کند تا زندگی درخور داشته باشد به‌عنوان فقر قلمداد می‌شود. به عبارت دیگر فقر بر حسب محرومیت قابلیت تعریف می‌شود. رویکرد فقر قابلیت در چارچوب نگاهی به توسعه واجد معناست که به بهبود زندگی بشر در تمام جوانب التزام دارد. آمارتیا سن (Sen, Amartya) مفهوم توسعه را در چارچوب رویکرد قابلیت به بحث می‌گذارد. توجه به انواع آزادی‌ها و نشان دادن وجود رابطه بین انواع آن‌ها مهم‌ترین دستاورد رویکرد قابلیت است. وی می‌نویسد: «فقدان آزادی اقتصادی می‌تواند منجر به فقدان آزادی اجتماعی شود، درست همان‌طور که فقدان آزادی اجتماعی یا سیاسی نیز می‌تواند منتهی به فقدان آزادی اقتصادی شود.» به این ترتیب نقش دوگانه آزادی در فرایند توسعه آشکار می‌شود. سن علاوه بر توجه به اهمیت ذاتی آزادی به‌مثابه هدف توسعه، بر ایفای نقش ابزاری آن در فرایند توسعه تأکید می‌کند. از دیدگاه او آزادی‌ها شامل آزادی در دسترسی به قدرت، آموزش، ثروت و منابع است. با بسط انواع آزادی از طریق رشد قابلیت‌ها، رفع محرومیت قابلیت تسهیل می‌شود. به این صورت که از یک‌سو گونه‌های آزادی هدف نهایی توسعه هستند و از سوی دیگر آزادی‌های ابزاری، که

مکمل یکدیگرند، در نهایت با گسترش قابلیت‌های مردم موجب توسعه اجتماعی - اقتصادی می‌شوند. در این رویکرد درآمد تنها وسیله خلق قابلیت‌ها نیست و عواملی مانند سن، جنسیت، سلامت و مکان نیز بر بارور شدن قابلیت‌ها دخیل‌اند. به تعبیر سن چشم‌انداز قابلیت، گسترش‌دهنده درک پژوهشگر از ماهیت و علل فقر و محرومیت است. به این صورت که با تغییر سمت و سوی توجه صرف از وسیله‌ای به نام درآمد به سوی هدف‌هایی که مردم به دنبال تحقق آن‌ها هستند، آزادی‌های مورد نیاز برای تأمین نیازها را فراهم می‌سازد (سن، ۱۳۸۱).

۲-۲-۲) کودک آزاری

هرگونه آسیب جسمی یا روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال توسط دیگر افراد و به صورتی که غیرتصادفی نباشد، کودک آزاری تلقی می‌شود (Ludwings & Kornberg, 1992). اگرچه این تعریف تلاش کرده تا همه وجوه و ابعاد آزار کودکان را توضیح دهد، به هر حال ممکن است در بین صاحب‌نظران بسیاری از مفاهیم مندرج در آن اختلاف برانگیز باشد. در واقع با توجه به اهداف و کاربردهای متنوع، تعاریف متعددی از آزار و خشونت ارائه شده است. انجمن روانپزشکی آمریکا در چهارمین دفترچه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (۱۹۹۴)، در فصلی تحت عنوان «سایر شرایطی که ممکن است مورد توجه بالینی قرار گیرد» کودک آزاری را مشتمل بر آزار جسمی و جنسی، بی‌توجهی به کودک و آزار عاطفی می‌داند (DSM-IV). مسائل خاصی که در چهارمین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی مطرح شده‌اند، عبارت‌اند از: سوء رفتار جسمی با کودک، سوء رفتار جنسی با کودک و مسامحه در مورد کودک. بدرفتاری با کودک یک اصطلاح کلی است که بیشتر روانپزشکان کودک از آن استفاده می‌کنند (Kaplan & Sadock, 1989).

از آن‌جا که کودک آزاری دارای وجوه حقوقی، بالینی و اجتماعی است، لذا متناسب با هر یک از رویکردهای فوق می‌توان تعاریف متفاوتی از آن ارائه کرد. همچنین فرهنگ

نقش اساسی در تعریف کودک‌آزاری دارد. لذا در مواردی باید بین آزار کودکان و مراقبت‌های ناکافی از آنان تمایز قائل شد. در مراقبت ناکافی، جنبه حذف و عدم مراقبت لازم از کودک مطرح می‌شود (Rutter, et al, 1994). لودوینگز و کرونیگر (۱۹۹۸) تلاش کرده‌اند تا موارد شدید و خفیف آزار کودکان را با استفاده از دو واژه خوشونت علیه کودکان و بدرفتاری با کودکان تفکیک کرده و توضیح دهند.

در هر حال کودک‌آزاری طیف وسیعی از رفتارهای آسیب‌زا از قبیل عدم تامین نیازهای اولیه کودک، غفلت از مراقبت‌های بهداشتی، فقدان رشد کافی، تنبیه و بدرفتاری فیزیکی، سوءاستفاده جنسی و سوءرفتار هیجانی و آزار روانی را شامل می‌شود.

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی، کودک‌آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند (آقاییگلویی و دیگران، ۱۳۸۰).

۳ یافته‌ها

کودکان آزار دیده معمولاً در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که منزل مسکونی آن‌ها بسیار کوچک است و تناسبی با جمعیت خانواده ندارد. به علاوه در این خانواده‌ها غذا، پوشاک، هزینه رفت‌وآمد و سایر تسهیلات به سختی تأمین می‌شود و حتی در بعضی خانواده‌ها شدت فقر به حدی است که کودکان نیز ناگزیر برای کمک به تأمین معاش خانواده به کار واداشته می‌شوند (Ludwings & Kornberg, 1992).

در مطالعات بسیاری رابطه میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و رواج کودک‌آزاری تحقیق و بررسی صورت گرفته است. پژوهش‌گران ایرانی نیز در پژوهش‌های خود به این مسئله توجه کرده و نتایج مشابهی گزارش داده‌اند. در مطالعات مذکور عوامل اقتصادی - اجتماعی بر حسب متغیرهایی از جمله میزان درآمد و وضع مالی خانواده، نوع منزل مسکونی، منطقه محل سکونت و یا اشتغال کودکان به کار بررسی شده‌اند. در این جا به تفکیک نتایج این گزارش‌ها بررسی می‌کنیم:

۳-۱) وضع مالی یا میزان درآمد خانواده

یکی از عوامل مهمی که هم جامعه و هم خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز کودک‌آزاری باشد، وضعیت نامناسب اقتصادی - اجتماعی است. فقر و کودک‌آزاری همبستگی نسبتاً زیادی با هم دارند. کودکانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند به دلیل شرایط و محدودیت‌های موجود در مقایسه با دیگر کودکان ایمنی کمتری دارند. نیازهای بهداشتی، تغذیه‌ای، آموزشی و روانی به شکل مستقیم یا غیر مستقیم (فراهم آوردن عوامل فردی و خانوادگی زمینه‌ساز کودک آزاری) می‌تواند میزان بروز و شیوع کودک آزاری را افزایش دهد (Ludwings & Kornberg, 1992).

نتایج یک مطالعه بر روی ۳۰ نفر از والدین کودک‌آزار مراجعه‌کننده به مرکز بهزیستی شهید نواب صفوی و ۳۰ نفر از والدین غیر کودک‌آزار با هدف مقایسه وضعیت اجتماعی - اقتصادی این دو گروه از خانواده‌ها نشان می‌دهد که بین وضعیت اجتماعی - اقتصادی دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که هر چه مشکلات اقتصادی بیشتر باشد احتمال کودک‌آزاری بیشتر است (شهاب، ۱۳۸۴). در همین ارتباط میلور (۱۹۸۱) می‌نویسد: «هرچند سوءرفتار نسبت به کودکان ممکن است در هرگونه خانواده و در همه سطوح جامعه با وضعیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی رخ دهد ولی وقوع آن، بر اساس گزارشات، در طبقات پایین اقتصادی - اجتماعی بیشتر است» (نامداری، ۱۳۷۷).

اگرچه فقر به خودی خود نمی‌تواند علت بدرفتاری با کودکان باشد، اضطرابی که همراه با فقر ایجاد می‌شود، بسیار زیاد است. مطالعات انجام‌شده همبستگی بین درآمد خانواده و کودک‌آزاری را تأیید کرده‌اند. در نتایج تحقیق صفوی (۱۳۷۴) بر روی پرونده‌های موجود در درمانگاه شهید اسماعیلی تهران مشخص شد که ۵۱ درصد از خانواده‌های کودکان آزاردیده به طبقات اقتصادی فرودست و فقیر جامعه تعلق دارند. ۴۰ درصد خانواده‌ها وضعیت اقتصادی متوسط داشتند و تنها ۹ درصد آن‌ها از طبقات مرفه اجتماع بودند. بدین ترتیب این تحقیقات نشان‌دهنده شیوع بیشتر سوءرفتار جسمانی نسبت به کودک در خانواده‌های با سطح درآمد پایین است.

رشیدی فر (۱۳۷۶) با مطالعه گروهی از نوجوانان شهر اهر نتیجه گرفت که میانگین درآمد خانواده بین گروه آزار دیده و آزار ندیده در هر دو جنس تفاوت معناداری نشان می‌دهد و میانگین درآمد ماهیانه گروه آزار ندیده نسبت به گروه آزار دیده در هر دو جنس بالاتر بود. بر اساس نتایج این مطالعه ۳۵/۵ درصد دختران و ۲۹/۹ درصد پسران آزار دیده در طبقه پایین اقتصادی قرار داشتند. در حالی که در گروه آزار ندیده ۷/۳ درصد دختران و ۲/۱ درصد پسران در این وضعیت بودند.

در تحقیق دیگری که در شهر تهران در سطح دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی صورت گرفت نیز بین وضعیت مالی خانواده و آزار جسمانی - عاطفی گزارش شده از سوی کودکان، ارتباط معناداری به دست آمد. داده‌ها نشان می‌دادند که حدود ۸ درصد از کودکان آزار دیده جسمی و ۳ درصد از کودکان آزار دیده عاطفی در طبقه اقتصادی پایین (وضع مالی بد) قرار داشتند. در حالی که در گروه آزار ندیده جسمی و عاطفی تعداد کمتری از دانش‌آموزان در این طبقه بودند (بخشعلیان، ۱۳۷۷).

در پژوهشی دیگر، بر اساس گزارش دانش‌آموزان شهر خرم‌آباد، بین وضعیت اقتصادی خانواده و سوءرفتار جسمی و عاطفی با آن‌ها ارتباط معناداری گزارش شد. از میان دانش‌آموزانی که به میزان کم یا زیاد آزار جسمی را گزارش کرده بودند ۳۴/۲ درصد وضعیت مالی‌شان را بد توصیف کردند. در حالی که در دانش‌آموزانی که آزار جسمی ندیده بودند تنها ۱۰ درصد وضعیت اقتصادی بد داشتند. در بررسی آزار عاطفی نیز نتایج نشان می‌داد که دانش‌آموزان آزار ندیده هیچ‌کدام در وضعیت بد اقتصادی قرار نداشتند، در حالی که ۲۴/۱ درصد از دانش‌آموزانی که آزار عاطفی کم یا زیاد، دیده بودند به وضع مالی بد اشاره کرده بودند (نامداری، ۱۳۷۷).

در مطالعه‌ای دیگر که در سطح دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهر تهران انجام شد، میانگین نمرات آزار (جسمی، عاطفی، غفلت) گزارش شده از سوی دانش‌آموزان با توجه به وضعیت اقتصادی خانواده‌های آن‌ها مقایسه شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین میانگین نمرات آزار دانش‌آموزان در سطوح مختلف اقتصادی تفاوت معناداری وجود دارد.

بدین ترتیب که هرچه وضعیت اقتصادی خانواده ضعیف‌تر می‌شود میانگین نمره آزار گزارش شده از سوی کودکان بالاتر می‌رود (محمدخانی، ۱۳۷۸).

هاتفی (۱۳۷۸) با مطالعه وضعیت اقتصادی خانواده ۱۷ کودک آزار دیده جنسی که به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند، دریافت که در اکثر موارد، به‌ویژه زمانی که دختر از سوی پدر مورد آزار جنسی قرار گرفته بود، خانواده کودک، آشفتگی و در سطح پایین اجتماعی - اقتصادی قرار داشتند.

باقری یزدی (۱۳۷۹) در تحقیقی درباره کودکان آزار دیده جسمانی که به سه درمانگاه اطفال شهر تهران مراجعه کرده بودند، درآمد کم و وضعیت نامطلوب اقتصادی خانواده را از جمله ویژگی‌های مهم مرتبط با آزار کودکان بر شمرد. بر اساس نتایج به دست آمده ۱۶/۱ درصد خانواده‌های کودکان آسیب دیده جسمانی متعلق به طبقه پایین اقتصادی جامعه بوده و درآمد کمی داشتند.

نتایج یک مطالعه دیگر در مرکز شهید اسماعیلی تهران نشان داد که سطح درآمد خانواده با آزار جسمانی کودک از لحاظ آماری ارتباط معناداری دارد و کودک آزاری در خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی در طبقات پایین‌تر جامعه قرار دارند، بیشتر به چشم می‌خورد. نتایج حاکی از آن بود که ۳۴/۲ درصد خانواده‌های کودکان آزار دیده درآمد بسیار کم داشتند. ۶۲/۱ درصد درآمد متوسط و تنها ۳/۸ درصد درآمد بالا و مناسب داشتند (حسینی نسب، ۱۳۸۰).

در تحقیق محمدخانی (۱۳۸۰) در سطح دانش‌آموزان راهنمایی شهر تهران بررسی ارتباط انواع آزار (جسمی، عاطفی و جنسی) و میزان غفلت با وضعیت اقتصادی خانواده نشان داد که با ضعیف‌تر شدن وضعیت اقتصادی خانواده، گزارش دانش‌آموزان از انواع آزار و غفلت به طور معناداری افزایش می‌یابد.

حسینی سدهی (۱۳۸۰) نیز با مقایسه نوجوانان آزار دیده و آزار ندیده نشان داد که بین دو گروه از نظر میزان درآمد خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که میزان درآمد خانواده نوجوانان آزار دیده، پایین‌تر از گروه آزار ندیده است.

بررسی موارد کودک‌آزاری گزارش شده در روزنامه‌های کثیرالانتشار در فاصله سال‌های ۸۱-۱۳۷۶ نشان داد که وضعیت اقتصادی خانواده‌های ۳۲ درصد کودکان آزاردیده ضعیف، ۸ درصد متوسط و ۴ درصد خوب است. وضعیت اقتصادی ۵۶ درصد از موارد نیز در گزارش روزنامه‌ها نامشخص بود (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۳).

در مطالعه‌ای درباره ۶۴۸ نفر از والدین وابسته به مواد افیونی که در سال ۱۳۸۳ به کلینیک ترک اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان مراجعه کرده بودند، شیوع کودک‌آزاری از نوع جسمی و مسامحه بررسی شد. در این بررسی یکی از پرسش‌ها میزان درآمد والدین بود. بر اساس نتایج این مطالعه نیمی از افراد (۳۲۴ نفر) دارای کمترین درآمد ماهیانه بودند که ۸۴ درصد آن‌ها سابقه کودک‌آزاری داشتند. نتایج آزمون‌های آماری نیز نشان می‌داد بین میزان درآمد والدین معتاد و سابقه کودک‌آزاری آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد (خلاصه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶).

در پژوهش شهاب (۱۳۸۴) نیز درآمد والدین کودک‌آزار و غیر کودک‌آزار تفاوت معناداری با یکدیگر داشته است. به طوری که ۴۶/۷ درصد گروه آزارگر دارای درآمد کمتر از ۱۵۰ هزار تومان بوده‌اند. این در حالی است که تنها ۱۰ درصد گروه والدین غیرآزارگر دارای این میزان درآمد بوده‌اند.

در پژوهشی که با هدف مقایسه اختلال‌های رفتاری و میزان عزت‌نفس در کودکان آزاردیده و آزارندیده در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی مدارس تهران انجام شد، میزان درآمد خانواده دو گروه تفاوت‌های بسیاری داشت. به طوری که ۵۹/۳ درصد خانواده‌های کودکان آزاردیده دارای درآمد ۲۰۰ هزار تومان و کمتر از آن بودند، این در حالی است که تنها ۲۸/۲ درصد خانواده‌های کودکان آزارندیده دارای این میزان درآمد بودند (عزیززاده، ۱۳۸۵).

نتایج مطالعه عزیزی (۱۳۸۷) با هدف بررسی رابطه فقر اقتصادی و سوءمصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در میان جوانان تهرانی نیز نشان‌دهنده رابطه فقر با این نوع مشکلات اجتماعی است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فقر اقتصادی با واسطه و از

طریق تاثیرگذاری بر متعیرهایی مانند فرهنگ بزهکاری، احساس ناکامی و غضب اخلاقی بر وقوع کج رفتاری تاثیر می‌گذارد.

در پژوهشی که با هدف بررسی شیوع کودک آزاری جسمی و عاطفی و پیش‌بینی آن از طریق برخی متغیرها مانند درآمد والدین دانش‌آموزان دختر آزاردیده و عادی دوره راهنمایی شهر اهواز در نمونه آماری ۲۰۰۰ نفری با استفاده از روش پیمایش انجام شده است، میانگین درآمد والدین دختران آزاردیده از دختران عادی کمتر گزارش شده است. میانگین درآمد برای والدین دختران آزاردیده $۲۰۴۲۶۳/۸۷$ (با انحراف معیار $۱۸۳۴۵۹/۶۳$) و برای والدین دختران عادی $۲۹۷۵۵۶/۲۴$ (با انحراف معیار $۱۹۶۴۴۱/۵۲$) هزار تومان بوده است. نتایج آزمون‌های آماری نیز نشان داده است که هر اندازه میزان درآمد والدین کمتر باشد احتمال کودک آزاری بیشتر است (شهنی بیلاق و همکاران، ۱۳۸۶).

برخلاف نتایج بیشتر پژوهش‌های بررسی شده، جلالی‌فر (۱۳۸۵) در پژوهشی که با هدف مقایسه کودک آزاری (عاطفی، جسمی، جنسی و غفلت) و عوامل موثر بر آن در ۲۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر عادی و استثنایی (۱۲۰ عادی و ۱۲۰ استثنایی) مقطع راهنمایی شهر تهران انجام داده، نتیجه گرفته است که شیوع انواع کودک آزاری با وضعیت اقتصادی رابطه معناداری ندارد.

اعمال محرومیت اقتصادی نیز نوعی کودک آزاری از نوع بی‌توجهی قلمداد می‌شود. در پژوهشی که به منظور بررسی میزان شیوع کودک آزاری جسمانی، عاطفی و بی‌توجهی بر روی ۷۳۸ نفر از دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان‌های استان تهران انجام شده است، ۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان بیان داشته‌اند که حداقل در طول عمر یک بار و حداکثر هر روز از پول تو جیبی محروم بوده‌اند (ویزه و همکاران، ۱۳۸۷).

با نگاهی به جدول شماره ۱ و مرور نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های مختلف مشخص می‌شود که کلیه مطالعات با نمونه‌های مختلف و با بررسی انواع آزار و غفلت در کودکان، به غیر از مطالعه جلالی‌فر (۱۳۸۵)، به نتایج یکسانی در زمینه رابطه فقر و کودک آزاری دست یافته و تأیید کرده‌اند که کودک آزاری در میان خانواده‌های فقیر و با

وضعیت اقتصادی ضعیف شایع‌تر از سایر طبقات می‌باشد. ضمناً همه تحقیقاتی که ارتباط وضعیت اقتصادی خانواده را با کودک‌آزاری مورد آزمون آماری بررسی کرده‌اند، این رابطه را معنادار یافته‌اند. تفاوتی که در درصد شیوع آزار در طبقات ضعیف اجتماعی در پژوهش‌های بالا مشاهده می‌شود ناشی از تفاوت در نمونه مورد مطالعه هر تحقیق و عدم همسانی در تعریف دقیق طبقات اجتماعی - اقتصادی در بین آنهاست. با وجودی که طبق گزارشات بالا بیشترین شیوع آزار در طبقات ضعیف اقتصادی رخ داده است، اما جالب توجه است که حتی در میان طبقات مرفه نیز کودک‌آزاری به چشم می‌خورد. پس کودک‌آزاری فقط منحصر به طبقات فرودست اجتماع نیست. اما استرس‌هایی که در طبقات فقیر بر افراد تحمیل می‌شود، احتمال وقوع آزار کودکان را چندین برابر بیش از طبقات متوسط و بالا می‌کند.

۲-۳) نوع منزل مسکونی خانواده

وضعیت مسکن افراد و نوع منزل آن‌ها، ارتباط مستقیم و نزدیکی با فقر قابلیت خانوادگی دارد. در بیشتر خانواده‌هایی که با مولفه اقتصادی فقر قابلیت مواجه هستند منازل معمولاً استیجاری، کوچک و بدون تناسب با تعداد اعضای خانواده است.

باقری یزدی (۱۳۷۹) ارتباط نوع منزل مسکونی با فراوانی کودک‌آزاری را بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین شیوع آزار جسمانی کودک و نوع منزل مسکونی خانواده ارتباط معنادار آماری وجود دارد؛ به طوری که کودکانی که در منازل استیجاری ساکن بودند بیش از کودکانی که در منازل سازمانی و شخصی سکونت داشتند، آزار و اذیت شده بودند (باقری یزدی، ۱۳۷۹).

مطابق نتایج پژوهش مذکور در حالی که ۱۰/۴ درصد کودکان ساکن در منازل شخصی تحت آزار قرار گرفته‌اند، ۱۶/۶ درصد کودکان ساکن در منازل استیجاری در معرض آزار بوده‌اند. نسبت کودکان آزر دیده ساکن در منازل سازمانی نیز بینابین بوده و معادل ۱۱/۵ درصد برآورد شده است.

جدول ۱: نتایج مطالعات در زمینه رابطه وضعیت اقتصادی خانواده و آزار کودکان

درصد تعلق کودکان آزار دیده به طبقه کم درآمد	معناداری ارتباط در صورت انجام آزمون آماری ^۱		نوع آزار مورد بررسی	تعداد نمونه	جمعیت مورد مطالعه	نام محقق و سال پژوهش	ردیف
	خیر	بله					
۵۱ درصد	-	-	جسمی	۱۰۰	پرونده های موجود در درمانگاه شهید اسماعیلی تهران	صفوی، ۱۳۷۴	۱
۳۵/۵ درصد دختران و ۳۹/۹ درصد پسران	-	×	جسمی، عاطفی، غفلت	۲۶۰	دانش آموزان دبیرستان شهرستان اهر	رشیدی فره، ۱۳۷۶	۲
۸ درصد آزار دیدگان جسمی ۳ درصد آزار دیده های عاطفی	-	×	جسمی، عاطفی	۴۲۰	دانش آموزان دختر دوره راهنمایی شهر تهران	بخشعیان، ۱۳۷۷	۳
۳۴/۳ درصد آزار دیدگان جسمی ۲۴/۱ درصد آزار دیدگان عاطفی	-	×	جسمی، عاطفی	۲۴۰	دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر خرم آباد	نامداری، ۱۳۷۷	۴
-	-	×	جسمی، عاطفی، غفلت	۱۴۴۳	دانش آموزان دختر دوره راهنمایی شهر تهران	محمدخانی، ۱۳۷۸	۵
-	-	-	جسمی	۱۷	کودکان آزار دیده جنسی مراجعه کننده به پزشکی قانونی	هاتفی، ۱۳۷۸	۶

۱. مواردی که آزمون آماری انجام شده و رابطه معنادار بوده با علامت X مشخص شده است.

ادامه جدول ۱

۱۶/۱	-	-	-	جسمی	۳۳۷	مراجعتن به سه درمانگاه اطفال شهر تهران	۱۳۷۹	باقری پردی، حسینی سدهی	۷
-	-	×	×	جسمی، عاطفی، فطرت	۶۰	دانش آموزان دختر راهنمایی و دبیرستان شهر تهران	۱۳۸۰	حسینی سدهی	۸
۲۳/۲	-	×	×	جسمی	۲۱۹	پرونده های موجود در درمانگاه شهید اسماعیلی تهران	۱۳۸۰	حسینی نسب، محمدخانی	۹
-	-	×	×	جسمی، عاطفی، فطرت	۲۰۴۲	دانش آموزان راهنمایی شهر تهران	۱۳۸۰	محمدخانی	۱۰
۴۶/۷	-	×	×	کلی	۶۰	والدین کودک آزار و غیر کودک آزار مراجعه کننده به مرکز بهزیستی شهید نواب صفوی	۱۳۸۴	شهاب	۱۱
۵۹/۳	-	×	×	روانی، جسمی، فطرت	۷۸۰	دانش آموزان آزار دیده و آزار ندیده مقطع راهنمایی مدارس تهران	۱۳۸۵	عزیززاده	۱۲
-	×	-	-	عاطفی، جسمی، فطرت	۲۴۰	دانش آموز دختر و پسر عادی و استثنایی	۱۳۸۵	جلالی فر	۱۳
۸۴ درصد کسانی که درآمد کمتر از ۷۰ هزار تومان در ماه داشته اند	-	×	×	جسمی و مسامحه	۶۴۷	والدین وابسته به مواد افیونی خود معروف به کلیتیک ترک اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان	۱۳۸۶	خلایفه زاده و همکاران	۱۴
-	-	×	×	جسمی و عاطفی	۲۰۰۰	دانش آموزان دختر آزار دیده و عادی دوره راهنمایی شهر اهواز	۱۳۸۶	شهنی بیلاق و همکاران	۱۵

در عین حال یکی از نتایج مطالعه‌ای که به بررسی رابطه عوامل خانوادگی، روانی و اجتماعی و کودک‌آزاری در میان دانش‌آموزان دبستان‌های دولتی دخترانه شهر تهران پرداخته است، نشان می‌دهد که از نظر وضعیت مسکن بین دو گروه مورد و شاهد تفاوت معناداری وجود ندارد. ۴۸/۳ درصد کودکان گروه مورد و ۵۰ درصد در گروه شاهد در خانه‌های استیجاری زندگی می‌کردند. اما از نظر داشتن اتاق شخصی و تعداد اتاق‌های منزل مسکونی بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که ۸۰ درصد کودکان در گروه مورد و ۵۰ درصد در گروه شاهد اتاق مخصوص به خود نداشته‌اند. (صحابائی و همکاران، ۱۳۸۵). برخی مطالعات دیگر نیز نتایج مشابهی را گزارش داده‌اند. از جمله در مطالعه‌ای درباره فرزندان والدین معتاد خود معرف مراجعه‌کننده به کلینیک ترک اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان (خلاصه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶) و کودکان ارجاع داده شده به مراکز مداخله در بحران تهران (بهراری، ۱۳۸۶) رابطه معناداری بین وضعیت منزل مسکونی و آزار کودکان ملاحظه نشد.

۳-۳) منطقه محل سکونت خانواده

مطالعات مختلف نشان می‌دهند که در برخی مناطق از جمله مناطق فقیرنشین و محلات حاشیه شهرها شیوع مشکلات اجتماعی و جرم بیش از دیگر مناطق است. (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۳) و (قندی، ۱۳۸۲) این پدیده از آن جا ناشی می‌شود که اولاً، مجموعه افرادی که در یک منطقه زندگی می‌کنند از جهت فرهنگی، نظام ارزشی و باورها به یکدیگر شبیه بوده و از هم تأثیر می‌پذیرند. ثانیاً، آزارهایی که خارج از خانه به کودک وارد می‌شود تابعی از محل زندگی فرد و متغیرهای محیطی پیرامون اوست (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۳).

یافته‌های مطالعه احمدی و ایمان (۱۳۸۴) با موضوع «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳» نشان داد رابطه معناداری بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر (عدم تمایل به پس‌انداز،

احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده) با گرایش به رفتار بزهکارانه وجود دارد. از این رو بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان رابطه متقابل برقرار است.

هوشدار (۱۳۷۴) موارد کودک‌آزاری جنسی در تهران را از طریق گزارش‌های موجود در پرونده‌های سازمان پزشکی قانونی مطالعه کرد. در این مطالعه بررسی شیوع آزار جنسی در مناطق مختلف تهران نشان داد شایع‌ترین محل ارجاع موارد کودک‌آزاری جنسی، ناحیه جنوب شهر تهران، با شیوع ۲۸/۹ درصد بوده است. پس از این منطقه به ترتیب مناطق شرق، شمال، اسلامشهر، و غرب تهران قرار داشتند. بنابراین با در نظر گرفتن اینکه خانواده‌های مناطق جنوبی تهران در مقایسه با خانواده‌های سایر مناطق وضعیت اجتماعی - اقتصادی نازل‌تری دارند می‌توان نتیجه گرفت در این مناطق شیوع کودک‌آزاری جنسی بیشتر است. نکته جالب توجه در این پژوهش آن است که در مناطق حاشیه‌ای که وضعیت اجتماعی - اقتصادی نامطلوبی دارند (اسلامشهر) شیوع تجاوز نسبت به پسران از تجاوز به دختران بیشتر بوده است، که این نکته خود نشان‌دهنده تفاوت الگوی کودک‌آزاری در طبقات اقتصادی - اجتماعی نیز هست.

رحیمی موفر (۱۳۷۵) میزان شیوع بدرفتاری جسمی در میان دانش‌آموزان مناطق سه و بیست تهران را با یکدیگر مقایسه کرده است. نتایج این مطالعه نشان داد که در منطقه بیست، ۷۳/۳ درصد از کودکان سابقه تنبیه بدنی داشتند اما در منطقه سه این رقم به ۵۹/۷ درصد کاهش یافت. همچنین در منطقه بیست حدود ۴۱/۴ درصد از کودکان اظهار داشته‌اند که بدرفتاری بزرگ‌ترها با آن‌ها به‌گونه‌ای بوده که به آسیب‌دیدگی جسمی آن‌ها منجر شده است. در منطقه سه، بیست درصد به این سؤال پاسخ مثبت دادند. بنابراین می‌توان گفت میزان شیوع بدرفتاری جسمی در منطقه بیست بیش از دو برابر میزان شیوع آن در منطقه سه می‌باشد. به‌علاوه یافته‌های دیگر تحقیق نشان داد که شدت تنبیه بدنی و تکرار آن نیز در منطقه بیست بسیار بیشتر از منطقه سه است.

یافته‌های پژوهش بخشعلیان (۱۳۷۷) در مناطق یک و بیست شهر تهران نتایج متفاوتی را در مقایسه با مطالعه رحیمی (۱۳۷۵) نشان داد که بر اساس آن بین محل سکونت افراد این دو منطقه و میزان شیوع کودک‌آزاری تفاوت معناداری وجود نداشت.

نتایج مطالعه محمدخانی (۱۳۷۸) در بررسی ارتباط آزار کودکان با مناطق مختلف آموزش و پرورش شهر تهران (مناطق سه، چهار، پنج، شش و نوزده) حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات آزار گزارش شده از سوی دانش‌آموزان در مناطق مختلف آموزشی وجود دارد. بدین ترتیب که دانش‌آموزان منطقه نوزده (در جنوب تهران) بیشترین میانگین نمره آزار را دریافت کردند و پس از آن به ترتیب مناطق چهار، شش، پنج (در مرکز و شمال تهران) و سپس منطقه سه (در شمال تهران) قرار داشتند.

باقری یزدی (۱۳۷۹) در بررسی کودکان مراجعه‌کننده به سه درمانگاه اطفال شهر تهران، به مطالعه ارتباط آزار جسمانی کودکان با محل سکونت خانواده آن‌ها (شهر، روستا و یا حاشیه شهر) پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که میزان شیوع کودک‌آزاری جسمانی در کودکان ساکن در مناطق شهری ۹/۸ درصد، کودکان ساکن در مناطق روستایی ۲۲/۵ درصد و کودکان ساکن در حاشیه شهرها ۲۵/۶ درصد بوده است. انجام آزمون آماری ارتباط میان محل سکونت و وجود کودک‌آزاری جسمانی را کاملاً معنادار نشان داد.

در تحقیقی که رزاقی (۱۳۸۰) در مورد خانواده‌های شهر سمنان انجام داد بین محل سکونت افراد (شهر یا روستا) و فراوانی کودک‌آزاری در خانواده تفاوت آماری زیادی مشاهده شد. در این مطالعه میزان گزارش آزار کودکان در مناطق روستایی (۴۳ درصد) بیشتر از مناطق شهری (۳۸/۸ درصد) بود.

در تحقیقی دیگر که در ۹ منطقه آموزشی شهر تهران صورت گرفت، آزارهای جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت به طور جداگانه بررسی شدند؛ نتایج این بررسی نشان داد که بین مناطق مختلف شهر تهران از نظر شیوع انواع کودک‌آزاری و غفلت تفاوت معناداری به لحاظ آمار وجود دارد. بدین ترتیب از میان ۹ منطقه مورد مطالعه (مناطق سه، چهار، پنج، شش، نه، سیزده، پانزده، شانزده، هفده) بیشترین گزارش آزار مربوط به مناطق هفده و

پانزده (مناطق جنوب و غرب تهران) و کمترین گزارش آزار در مناطق شش و سه (مناطق شمال تهران) بود. (محمد خانی، ۱۳۸۰).

شهاب (۱۳۸۴) در مطالعه خود منطقه سکونت والدین کودک آزار و غیر کودک آزار تهرانی را به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم کرده است. بر اساس نتایج این مطالعه ۶۰ درصد والدین آزارگر در ناحیه جنوب تهران زندگی می‌کردند. این در حالی بود که تنها ۱۳/۳ درصد والدین غیر کودک آزار در جنوب تهران زندگی می‌کردند. نتایج آزمون آماری نیز نشان داد که محل سکونت والدین به عنوان یکی از مولفه‌های وضعیت اجتماعی - اقتصادی با میزان شیوع کودک آزاری ارتباط معناداری دارد.

جدول ۲: نتایج مطالعات در زمینه رابطه منطقه محل سکونت و آزار کودکان در ایران

نام محقق و سال پژوهش	جمعیت مورد مطالعه	تعداد نمونه	مکان پژوهش	معناداری ارتباط در صورت انجام آزمون آماری ^۲		پراکندگی آزار در مناطق مورد بررسی در هر پژوهش
				بله	خیر	
هوشدار، ۱۳۷۴	کودکان آزار دیده جنسی مراجعه کننده به سازمان پزشکی قانونی	۳۲۵	تهران	-	-	بیشترین آزار کمترین آزار
				-	-	غرب تهران
رحیمی موقر، ۱۳۷۵	دانش آموزان مناطق ۳ و ۲۰ تهران	۸۲۰	تهران	-	-	منطقه ۲۰ تهران
				-	-	منطقه ۳ تهران
بخشعلیان، ۱۳۷۷	دانش آموزان دختر دوره راهنمایی	۴۲۰	تهران	×	×	-
محمدخانی، ۱۳۷۸	دانش آموزان دختر دوره راهنمایی	۱۴۴۳	تهران	×	-	منطقه ۱۹ آموزش و پرورش
باقری یزدی، ۱۳۷۹	مراجعه‌ین به سه درمانگاه اطفال	۳۴۷	تهران	×	-	مناطق حاشیه شهرها
				-	-	مناطق شهری
رزاقی، ۱۳۸۰	خانواده هایی که حداقل یک کودک زیر ۱۸ سال دارند	۱۳۴۷	تهران	×	×	روستا
محمدخانی، ۱۳۸۰	دانش آموزان مقطع راهنمایی	۳۰۴۳	تهران	×	-	منطقه ۱۷ و ۱۵ آموزش و پرورش
				-	-	منطقه ۶ آموزش و پرورش
شهاب، ۱۳۸۴	والدین کودکان آزار و غیر کودکان آزار	۶۰	تهران	×	-	جنوب تهران

۲ مواردی که آزمون آماری انجام شده و رابطه معنادار بوده با علامت × مشخص شده است.

۳-۴) اشتغال کودکان خانواده

یکی دیگر از عواملی که با کودک‌آزاری مرتبط است، اشتغال کودکان به دلیل نیاز اقتصادی است. این کودکان به دلیل عدم بلوغ جسمی و ذهنی معمولاً در محیط کار مورد خشونت و آزار قرار می‌گیرند.

در بررسی سابقه کار کودکان آزاردیده‌ای که با صدای مشاور تماس گرفته بودند مشخص شد که از میان ۳۵۷ کودک آزاردیده، ۸۴ نفر (۲۳ درصد) شاغل بودند که نسبت به حجم نمونه، آمار قابل ملاحظه‌ای است. بنابراین کودکانی که کار می‌کنند - طبق نتایج این پژوهش - احتمالاً بیشتر از سایر کودکان در معرض آزار قرار می‌گیرند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۰). کار کودک به خودی خود زیان‌آور نیست، اما اگر باعث شود که کودک از تحصیل محروم شود و یا نوع کار به نحوی باشد که حقوق کودک در آن رعایت نشود می‌تواند منجر به بعضی از انواع آزار یا بی‌توجهی شود. یونیسف کار کودک را در صورتی استثمار می‌داند که شرایط زیر را دارا باشد:

- ساعت‌های بسیار زیادی صرف کارکردن شود؛
 - کاری که فشار نامناسب جسمی، اجتماعی یا روانی برجا بگذارد؛
 - کار و زندگی در خیابان در شرایط نامطلوب؛
 - کار تمام وقت در سن بسیار کم؛
 - مزد ناچیز؛
 - مسئولیت بیش از حد؛
 - کاری که مانع تحصیل شود؛
 - کاری که شرف و عزت نفس کودکان را نابود کند، مثل بردگی یا بهره‌کشی جنسی؛
 - کاری که برای رشد کامل اجتماعی و روانی زیان‌آور باشد (پورناجی، ۱۳۷۸).
- استفاده از کارگران خردسال به جای بزرگسالان از جهاتی برای کارفرمایان مقرون به صرفه است. آن‌ها کودکان را وادار می‌کنند که به اندازه دیگران کار کنند، در حالی که

حقوق کمتری به کودکان می‌پردازند. کارگران خردسال غذا و تسهیلات کمتری نیاز دارند و نسبت به حقوق و بیمه و... ادعایی ندارند و در صورت اعتراض نیز با تنبیه و خشونت به راحتی ساکت می‌شوند. چنین مزایایی خطر به‌کارگیری کودکان در کارهای سخت و همچنین نادیده گرفتن حقوق آن‌ها و حتی اعمال زور و انواع آزارها در محیط کار را افزایش می‌دهد.

بعضی از کودکان نیز به‌منظور برآورده ساختن اهداف اقتصادی سودجویان به کارهای نامناسب مثل تکدی‌گری واداشته می‌شوند. کودکان خیابانی بیشتر از سایر کودکان در معرض چنین سوءاستفاده‌هایی قرار دارند و به علت شرایط خاص خودشان، ممکن است مورد انواع آزارها نیز واقع شوند (پور ناجی، ۱۳۷۸).

با وجود وضع قوانینی مبنی بر منع کار کودکان زیر ۱۵ سال (ماده ۷۹ قانون کار در ایران) و یا قوانین دفاع از حقوق کودک هنوز شاهد نقض حقوق کودک در بازار کار و نادیده گرفتن این قوانین هستیم.

در نتایج آخرین سرشماری (۱۳۸۵) شمار شاغلان شش تا نه سال گزارش نشده است، اما تعداد شاغلان ۱۰ تا ۱۴ سال ۱۸۴۶۴۹ نفر اعلام شده است. این در حالی است که کل جمعیت ۱۰ تا ۱۴ ساله ۶۷۰۸۵۹۴ نفر بوده است. به عبارت دیگر ۲/۷۵ درصد جمعیت ۱۰ تا ۱۴ شاغل بوده‌اند (سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵).

۴) بحث و نتیجه‌گیری

اکثر مطالعات بر رابطه بین فقر و مشکلات اجتماعی، از جمله کودک‌آزاری را مورد تأیید قرار داده‌اند (Murray,1990)، (Mooney,1998)، (Fraser,1995)، (Sampson,1993)، (Willian,2006) (Jacobs,1981) (Paavilainen,2000) (Berger,2005) (نامداری، ۱۳۷۷)، (صفوی، ۱۳۷۴)، (رشیدی‌فر، ۱۳۷۶)، (بخشعلیان، ۱۳۷۷)، (محمدخانی، ۱۳۷۸) (هاتفی، ۱۳۷۸)، (باقری یزدی، ۱۳۷۹)، (حسینی نسب، ۱۳۸۰)، (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۳)، (خلاصه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶)، (شهاب، ۱۳۸۴) (عزیززاده، ۱۳۸۵)، (شهنی ییلاق و همکاران، ۱۳۸۶) و (ویژه و همکاران،

۱۳۸۷). البته نباید سهم اندک مطالعاتی که رابطه معناداری بین وضعیت فقر و جرم، از جمله کودک‌آزاری، قائل نیستند، نادیده گرفت (Messner, 1982) و (جلالی فر، ۱۳۸۵).
 بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله نشان داد که فقر حداقل با چهار مؤلفه می‌تواند زمینه آزار کودکان را فراهم آورد. اولین مؤلفه میزان درآمد خانوار است. در خانواده‌های فقیر امکان تامین حداقل نیازهای اساسی کودکان برای والدین ناممکن یا بسیار دشوار است؛ به علاوه به دلیل اولویت تأمین حداقل درآمد ممکن برای ادامه حیات خانواده، غفلت (Neglect) از کودکان در این خانواده‌ها به طرز محسوسی بیشتر از خانواده‌های با درآمد متوسط یا بالاست.

دومین مؤلفه فقر که رابطه آن با آزار کودکان در اغلب پژوهش‌ها تأیید شده است، نوع منزل مسکونی خانواده است. به این معنا که فقر از طریق کیفیت پایین سرپناه و همچنین احساس عدم امنیت به دلیل اسکان خانواده در منازل استیجاری، زمینه‌ساز آزار کودکان است. حضور همه اعضای خانوار در یک فضای محدود یکی از عوامل مهم آزار جنسی محسوب می‌شود. به علاوه جابه‌جایی مداوم محل سکونت موجب می‌شود تا حمایت‌های بالقوه در محلاتی که افراد مدت طولانی در آن ساکن هستند از کودکان سلب شود و مخاطرات خارج از محیط خانه، آن‌ها را بیشتر تهدید کند. البته باید گفت تعداد محدودی از مطالعات نیز رابطه بین وضعیت منزل مسکونی و آزار کودکان را تأیید نکرده‌اند (صحبایی و همکاران، ۱۳۸۵).

مؤلفه سوم که در این مقاله بررسی شد، منطقه محل سکونت خانواده است. در واقع با در نظر گرفتن اینکه نزدیک به ۱۴ درصد محله‌ها در شهرها محله‌های اسکان غیررسمی هستند و نزدیک ۲۰ درصد جمعیت کشور در این محله‌ها ساکن هستند (دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی، ۱۳۸۵) جمعیت کودکان در معرض خطر در این مناطق سهم بسیار بالایی از کل کودکان را دارند. خانوارهای فقیر ناچارند برای آنکه هزینه کمتری را به سرپناه اختصاص دهند، در مناطق اسکان غیررسمی زندگی کنند. در این محله‌ها حداقل خدمات شهری ارائه نمی‌شود و اغلب دسترسی به خدمات آموزش و بهداشت بسیار

دشوار و یا با کیفیت نازل می‌باشد.

مؤلفه چهارم مرتبط با فقر، اشتغال کودکان است. خانواده‌های فقیر به دلیل نیاز به درآمد بیشتر اغلب ترجیح می‌دهند کودکان قبل از پایان تحصیلات و پیش از رسیدن به سن کار (۱۸ سالگی) وارد بازار کار شوند تا بخشی از مایحتاج خانواده را تأمین کنند. حضور زود هنگام در بازار کار و در حالی که کودکان توانایی حمایت از خود در برابر مخاطرات و تهدیدهای محیطی را ندارند، آن‌ها را به شدت آسیب‌پذیر می‌کند. بر این اساس فقر از زوایای مختلف زمینه‌ساز آزار کودکان است. باید یادآوری کرد که کودک‌آزاری در خانواده‌های طبقه متوسط و با درآمد کافی نیز گزارش شده و این بدان معناست که فقر تنها متغیر توضیح‌دهنده آزار کودکان نیست اما به هر حال یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز آن محسوب می‌شود.

- آقا بیگلویی، عباس؛ رسولزاده طباطبایی، سیدکاظم و موسوی چلک، حسن. (۱۳۸۰)، «کودک‌آزاری»، انتشارات کتاب آوند دانش.
- احمدی، حبیب و محمد تقی، ایمان. (۱۳۸۴)، «فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳»، **مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)**، جلد نوزدهم، شماره ۲، صفحات ۹۹-۱۱۸.
- باقری یزدی، سیدعباس. (۱۳۷۹)، گزارش طرح تحقیقاتی «بررسی موارد کودک‌آزاری جسمانی در مراجعین به سه درمانگاه و مراکز اورژانس اختصاصی اطفال در شهر تهران»، وزارت بهداشت، اداره کل پیشگیری و مبارزه با بیماری‌ها.
- بخشعلیان، فرشته. (۱۳۷۷)، **بررسی میزان شیوع سوء رفتار والدین و عوامل مؤثر بر آن در دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بهداشت.
- بهاری، رقیه. (۱۳۸۶)، **بررسی عوامل مؤثر بر کودک‌آزاری جسمی کودکان دختر و پسر در بین ارجاع‌شدگان به مراکز مداخله در بحران (۶ مرکز) در سال ۱۳۸۵ در شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، استاد راهنما: دکتر ملکیمان.
- پورناجی، بنفشه. (۱۳۷۸)، **مرگ خاموش**، (نگاهی به پدیده کودک‌آزاری)، انتشارات همشهری، تهران.
- جلالی‌فر، صدیق. (۱۳۸۵)، **مقایسه کودک‌آزاری و عوامل مؤثر بر آن در دانش‌آموزان دختر و پسر عادی و استثنایی (نابینا ناشنوا) مقطع راهنمایی شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی گرایش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، استاد راهنما: دکتر سوزان امامی پور.
- جمشیدیها، غلامرضا. عنبری، موسی. (۱۳۸۳)، «تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۳.
- حسینی سدهی، نرگس. (۱۳۸۰)، **ادراک خود؛ در نوجوانان آزاردیده و آزارندیده: یک بررسی مقایسه‌ای در دو ناحیه ۶ و ۱۱ شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، استاد راهنما: دکتر نیکچهره محسنی.
- حسینی نسب، هما. (۱۳۸۰)، **بررسی فراوانی سوء رفتار جسمی در اطفال**

- مراجعه‌کننده به درمانگاه روانپزشکی اطفال مرکز روانپزشکی شهید اسماعیلی از فروردین ۷۳ تا اسفند ۷۸. پایان‌نامه دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، استاد راهنما: دکتر بهروز جلیلی.
- خلاصه‌زاده، گلرسته؛ حمید بخشی، محمد ناظر، صیادی، احمدرضا، پورغلامی، مسعود و ربانی، عبدالحمید. (۱۳۸۶)، «بررسی شیوع کودک آزاری در وابستگان به مواد افیونی مراجعه‌کننده به کلینیک ترک اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان ۱۳۸۳»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه رفسنجان*، دوره ششم، شماره اول، صفحات ۴۴-۳۷.
- خوشبای، کتایون؛ حبیبی عسگر آبادی، مجتبی؛ فرزادفر، سیده زینب و محمدخانی، پروانه. (۱۳۸۶)، «میزان شیوع کودک آزاری در دانش آموزان دوره راهنمایی شهر تهران» *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۷.
- رئیس‌دانا، فریبرز. (۱۳۸۰)، «بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران»، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- رحیمی‌موقر، آفرین. (۱۳۷۶)، *بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع بدرفتاری جسمی با کودک در کوی سیزده آبان شهر ری و ناحیه‌ای از منطقه سه تهران*، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- رزاقی، عمران؛ نقوی، محسن؛ اردلان، گلایل و باقری یزدی، سیدعباس. (۱۳۸۰)، *بررسی برخی از اشکال کودک‌آزاری در شهرستان سمنان و عوامل مؤثر بر آن*، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دفتر سلامت جوانان و مدارس، اداره سلامت روان.
- رشیدی‌فر، ناصر. (۱۳۷۶)، *بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی با کودک‌آزاری و بی‌توجهی در گروهی از نوجوانان شهر اهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران، استاد راهنما: دکتر محمد تقی براهنی.
- زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۳)، «نوآوری‌های قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دوم، شماره ۷، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سجادی، حمیرا؛ وامقی، مروثه و مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۸)، *تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت در ایران (گزارش پژوهش)*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- سلیمی، علی. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی کجروی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزاری* (ترجمه حسین راغفر)، انتشارات کویر، تهران.
- سیگل، لاری. جی. (۱۳۸۵)، *جرم‌شناسی* (ترجمه یاشار سیف‌اللهی)، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا.
- شهاب، آذرمیدخت. (۱۳۸۴)، *مقایسه نیمرخ روانشناختی، وضعیت اجتماعی - اقتصادی والدین کودک‌آزار با والدین غیرکودک‌آزار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، استاد راهنما: دکتر فرهاد جمهوری.
- شهینی، بیلاق؛ نیلوفر میکائیلی، منیجه؛ شکرکن، حسین و حقیقی، جمال. (۱۳۸۶)، «بررسی شیوع کودک‌آزاری و پیش‌بینی این متغیر از طریق سلامت عمومی والدین، سازگاری، عزت نفس و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز و متغیرهای جمعیت‌شناختی در دانش‌آموزان دختر آزاردیده و عادی دوره راهنمایی شهر اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال چهاردهم، شماره‌های ۱ و ۲، صفحات ۱۹۴-۱۶۷.
- صادقی، حسین؛ شقاقی شهری، وحید و اصغرپور، حسین. (۱۳۸۳) «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، *نشریه تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۸.
- صحبائی، فائزه؛ دواچی، اقدس؛ زراعتی و نجفی، زهرا. (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه عوامل خانوادگی، روانی و اجتماعی با کودک‌آزاری در دبستان‌های دولتی دخترانه تهران»، *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، دوره ۱۶، شماره ۱، صفحات ۴۸-۴۳.
- صفوی، شیرین. (۱۳۷۴)، *سوء رفتار جسمانی با کودک*، پایان‌نامه دکترای رشته پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، استاد راهنما: دکتر بهروز جلیلی.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۱)، *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*، نشر نی، تهران.
- عزیززاده، فاطمه. (۱۳۸۵)، *مقایسه اختلال‌های رفتاری و میزان عزت نفس در کودکان آزاردیده و آزارندیده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، مرکز تحقیقات بهداشت روان، استاد راهنما: محمد کاظم عاطف‌وند.
- عزیززی، جلال. (۱۳۸۷)، «فقر اقتصادی و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان شهر تهران و شمیرانات»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۹، صفحات ۸۶-۶۷.

- قاسم‌زاده، فاطمه. (۱۳۸۰)، پژوهشی در مورد وضعیت کودک‌آزاری در ایران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی* (ترجمه حسن چاوشیان)، نشر نی، تهران.
- محمدخانی، پروانه. (۱۳۷۸)، *کودک‌آزاری، شیوع و انواع، ویژگی‌های روانشناختی کودکان آزاردیده، کیفیت زندگی و سلامت عمومی والدین آن‌ها*، پایان‌نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، استاد راهنما: دکتر دلاور محمدخانی، پروانه. (۱۳۸۰)، *شیوع کودک‌آزاری، شایع‌ترین الگوهای آزار در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران*، طرح پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۳)، *کودک‌آزاری در ایران*، نشر اکون، تهران.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۶)، *ارزیابی سریع وضعیت روسپگری در شهر تهران (گزارش پژوهش)*، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دفتر جمعیت سازمان ملل متحد در تهران.
- نامداری، پریسا. (۱۳۷۷)، *بررسی میزان شیوع سوء رفتار در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر خرم‌آباد و تعیین عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بهداشت، دانشگاه تهران.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵)، استخراج از داده‌های خام.
- نقدی، اسدالله. (۱۳۸۲)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری، انسان و شهر*، انتشارات فن‌آوران، همدان.
- ویزه، اورزولا؛ مرادی، شهرام؛ فدایی، زهرا و حبیبی عسگرآباد، مجتبی. (۱۳۸۷)، «بررسی مقایسه‌ای شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان مقطع متوسطه بر حسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۱۴، صفحات ۱۶۵-۱۴۵.
- هاتفی، جمشید. (۱۳۷۸)، *استرس در کودکان قربانی آزارجنسی*، چهارمین کنگره سراسری استرس، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.
- هوشدار، مهسا. (۱۳۷۴)، «بررسی موارد کودک‌آزاری جنسی (SCA) در تهران»، *مجله علمی پزشکی قانونی*، سال دوم، شماره ۵، ص ۲۱-۱۲.
- یونیسف. (۱۳۸۷)، *محو خشونت علیه کودکان*، یونیسف، تهران.
- Farley, Melissa, and Howard Barkan. (1988), Prostitution, Violence Against Women, and Posttraumatic Stress Disorder. 27(3) Women & Health: 37-49.

- Fraser, S. (1995), *The Bell Curve wars: Race , Intelligence & the future of America* . New York.
- Hartnagel, T.F. & Lee G.W. (1995) "Urban Crime in Canada", *Canadian Journal of Criminology* .
- Jacobs, D. (1981) "Inequality & Economic Crimw" , *Sociaology & Social Research*.
- Kaplan & Sadock.(1989), *textbook of Psychiatry*.
- Ludwing. S., Kornberg. A. E (1992), *Child Abuse, A medical Reference*, Churchill Livigstone.
- Messner, s.f. (1982), *Poverty, Inequality & the Urban Homicide Rate*, *Criminology* , No. 20.
- Murray, C(1990) *The merging Underclass*. Londons Institute of economic Affairs , Herrnes tein .
- Mooney, I (1998). "Moral Panis & the New right: Single Mothers & feckless Fathers,. London, Macmillan.
- Paavilainen, E. Astedt-Kurki, P. Paunomen, M. (2000), *Adolecent's Experiences of Moltreatment within the family, Challenges for family Nursing Primary Health care research & Development*.
- *Population Reports: Ending Violence Against Women*, 2000.
- Sampson, r. & W.William (1993), "Toward a Theory of Race, Crime & Urban Inequality", *Stanford University Press*.
- William, J, Oliver. Lawrance R. Kuhns. Elain S. Pomernaz (2006) *Family Structure & Child Abuse, Clin Pediatr*
- Widom, C. 1995. *Victims of Childhood Sexual Abuse: Later Criminal Consequences*. U.S. Department of Justice. National Institute of Justice. Washington, D.C.